

تشدید مخاطرات محیطی روستای ماکلوان به دلیل ارتقای موقعیت سیاسی آن

حسن افراخته، استاد جغرافیای روستایی، دانشگاه خوارزمی^۱

پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۳/۲۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۲/۱۵

چکیده:

در سال‌های اخیر، برخی سکونتگاه‌های روستایی کشور تحولاتی را از نظر کالبدی - فضایی تجربه کرده و به شهر تبدیل شده است. روند تبدیل روستا به شهر، به تبعیت از رویکردهای نظری در باب توسعه‌ی فضایی یا بنا بر ملاحظات سیاسی و جریان انتخابات، روندی در حال افزایش بوده است. این تحولات چشم‌انداز ناموزونی را به سکونتگاه‌ها تحمیل کرده است و منشأ ظهور بحران و مخاطرات محیط‌زیستی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی بوده است. سؤال اساسی تحقیق این است که تحول «ماکلوان» بر اساس برنامه‌ریزی روستایی و بنا بر ملاحظات سیاسی و تبدیل آن به شهر از سال ۱۳۹۲ به چه پیامدهای محیطی منجر شده است؟ ناحیه‌ی تحقیق ماکلوان در شهرستان فومن استان گیلان است. داده‌های مورد نیاز با اسناد کتابخانه‌ای، عکس‌های ماهواره‌ای، بازدید محلی و تکمیل پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است. داده‌های مزبور با بررسی توزیع فراوانی‌ها و رویکرد مکانی - فضایی تجزیه و تحلیل شده است. نتیجه‌ی تحقیق نشان می‌دهد که روند توسعه‌ی جاری ماکلوان شرایطی به وجود آورده که وقوع و بروز مخاطرات محیطی، از جمله اتلاف خاک زراعی، تخریب جنگل، تشدید آلاینده‌ی منابع آب، تضعیف بنیان‌های تولید سنتی، حذف معماری بومی هم‌ساز با اقلیم و آشفته‌گی کالبدی، را تقویت کرده است. از این رو، توسعه‌ی فضایی متوازن به تبعیت از رویکرد قطب رشد و ملاحظات سیاسی میسر نبوده و مستلزم استفاده از شیوه‌های جدید برنامه‌ریزی توسعه‌ی فضایی است.

کلمات کلیدی: ملاحظات سیاسی، رویکرد قطب رشد، تبدیل روستا به شهر، مخاطرات محیطی، ماکلوان.

مقدمه:

نظام‌های سکونتگاهی مانند هر پدیده نظام‌مند دیگری مدام در حال تحول است. عوامل متعدد و گوناگونی در روند تحول سکونتگاه‌ها و شکل‌گیری آن‌ها دخالت دارند. تحول مزبور به تبعیت از قانونمندی ارگانیک صورت گرفته و شکل و منظر خاص سکونتگاه‌ها را بر اساس عوامل مؤثر تعیین می‌کند. یکی از عوامل تأثیرگذار در روند تحول نظام‌های سکونتگاهی دخالت قدرت عمومی جامعه و برنامه‌ریزی مبتنی بر رویکردهایی بوده که در زمان خود به صورت پارادایم غالب پذیرفته شده است. تا دهه‌ی ۱۹۷۰، در کشورهای در حال توسعه، نگرش به نحوه‌ی توسعه‌ی اقتصادی ایجاد و تقویت قطب‌های رشد، به عنوان ابزار رشد اقتصاد ملی، متمرکز بود و فرض می‌شد که نتیجه‌ی آن‌ها سبب رونق مناطق پیرامونی خواهد شد. از جمله این دیدگاه‌ها در برنامه‌ریزی ناحیه‌ای نظریه‌ی قطب رشد فرانسوا پرو^۱ است. پیروی از رویکرد قطب رشد در برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های روستایی برای رسیدن به افزایش سطح آستانه‌ها، سبب توجه بیشتر به سکونتگاه‌های بزرگ‌تر، تأکید بر تجمیع روستاهای کوچک و اصرار بر شکل‌گیری کانون‌های هرچه بزرگ‌تر (اعم از شهری و روستایی) شده است. در این دیدگاه، کانون‌های شهری مهم‌ترین «بازیگران فضایی» هستند و، در اغلب موارد، نواحی روستایی «واپس مانده» و «وابسته» خوانده می‌شوند که امکان توسعه‌ی آن‌ها را به انگیزش‌ها و محرکه‌های «پخش» یا رخنه به پایین از سوی شهرها یا کانون‌های بزرگ‌تر سکونتگاهی مشروط می‌کند (Douglass: ۲۰۰۶). در این زمینه، گرایش به گسترش شهرها به قدری زیاد بوده است که هاروی را به طرح این پرسش واداشته که آیا سرعت و میزان حیرت‌آور توسعه‌ی شهری در طول صد سال گذشته کمکی به بهبود رفاه انسان‌ها کرده است؟ او یادآور می‌شود اگر شهر مکانی است که انسان آفریده است، از آن پس، شهر مکانی خواهد بود که انسان محکوم به زندگی در آن خواهد شد (هاروی، ۱۳۹۱: ۱۴).

نحوه‌ی عمل قطب رشد معمولاً حول محور دو اثر می‌چرخد که هیرشمن^۲ (Hirschman, ۱۹۵۸) آن‌ها را اثر قطبی شدن^۳ و اثر انتشار تدریجی^۴ نامیده است. اثر قطبی شدن در مراحل اولیه‌ی توسعه ظهور می‌کند و سبب می‌شود رشد سریعی در قطب‌های مرکزی صورت بگیرد که نتیجه‌ی آن موجب واگرایی و فزاینده‌ی نابرابری‌ها بین نواحی است. سپس، در مرحله‌ی بعدی توسعه، پس از اینکه قطب‌های مرکزی تا اندازه‌ای متمرکز و قوی شدند، رشد آن‌ها به تدریج به سایر نواحی پخش و، در نتیجه، موجب همگرایی و از بین رفتن نابرابری‌ها می‌شود. فریدمن^۵ (قنبری و موسوی، ۱۳۹۰) با ارائه‌ی نظریه‌ی مرکز - پیرامون^۶ تقابل بین این دو اثر را موجب توسعه‌ی متعادل یا توسعه‌ی نامتعادل منطقه می‌داند. آنچه در این بین اهمیت دارد تعادل و تعامل بین دو نیرو است. اگر اثر پخش حاکم شود، توسعه به تدریج به سمت تعادل خواهد رفت. ولی اگر اثر قطبش حاکم شود، رابطه‌ی سلطه حاکم می‌شود و تمرکز شدید در مرکز ادامه می‌یابد که بر عدم تعادل فضایی خواهد افزود. بنابراین، اگر هدف توسعه متوازن باشد، باید نیروهایی که سبب تقویت پیرامون می‌شوند تقویت شوند. به نظر فریدمن (مهندسان مشاور DHV، ۱۳۷۱: ۴۸-۴۹)، مناطق هسته‌ای، که اثر تعیین‌کننده‌ی بر پیرامون دارند، برتری خود را از راه‌های مختلف بر آن‌ها اعمال می‌کنند، از جمله اثر سلطه، اثر روانی، اثر مدرنیزاسیون، اثر پیوند، اثر تولیدی و ایجاد نظام تشویقی مجذوب‌کننده‌ای برای نوآوری‌ها (مثل تخصص و رشد ویژگی‌های مقیاس).

در سال‌های اخیر، سکونتگاه‌های شهری و روستایی کشور بدون برنامه‌ریزی از پیش اندیشیده و بدون روند آرام و تدریجی درون‌محور، تحولاتی را از نظر کالبدی و فضایی تجربه یا متحمل شده است. تبدیل مراکز روستایی به شهر از جمله عوامل مؤثر در این تحولات بوده است. روند تبدیل روستا به شهر در کشور ما بعد از انقلاب اسلامی و، به‌خصوص در دهه‌ی اخیر، روندی در حال افزایش بوده است، چه به تبعیت از رویکردهای نظری درباره‌ی توزیع متعادل جمعیت و فعالیت در فضا و چه بنا بر ملاحظات سیاسی و جریان انتخابات، در حکم کم هزینه‌ترین پاسخ نمایندگان به درخواست متوکلان خود.

^۱. Perroux

^۲. Hirschman

^۳. Polarization effect

^۴. Spread effect

^۵. Freidman

^۶. Core-Periphery

این تحولات چشم‌انداز ناموزونی را به سکونتگاه‌ها تحمیل کرده و منشأ ظهور بحران و مخاطرات محیط زیستی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی بوده است. در روند تحولات سکونتگاه‌ها، متولیان توسعه و برنامه‌ریزی نیز اغلب از رویکردهایی تبعیت کرده‌اند که از اصول و قواعد گسترش و رشد کارآمد سکونتگاهی بهره‌ای نداشته‌اند و، در این باره، چه بسا، پیامدهای ناخواسته‌ای داشته‌اند و مخاطرات و بحران‌های محیطی را تشدید کرده‌اند. تجربه ایجاد شهرها بر پایه چنین استدلالی (سرای و اسکندری ثانی، ۱۳۸۶) نشان می‌دهد که ارائه‌ی خدمات و بسط کارکردهای شهری به درون نواحی پیرامون و حوزه‌ی نفوذ، از هیچ نظر، عملکرد مناسبی نداشته است. بر اساس نمونه‌ها (کریمی و همکاران، ۱۳۹۱)، سیاست تبدیل روستا به شهر در شمال ایران هم به نتیجه‌ی مطلوبی نرسیده است. تحقیقی تحت عنوان «نگرشی تحلیلی بر نظریه‌ی قطب رشد در توسعه‌ی منطقه‌ای، مطالعه موردی: استان خراسان رضوی» (زیاری و همکاران، ۱۳۹۰) به این نتیجه رسیده است که با توجه به نتایج منفی اجرای تئوری قطب رشد در سطح استان، برای دستیابی به توسعه باید نظریه‌ی مذکور با قدری تعدیل به کار گرفته شود. چنانچه این تئوری با همان شکلی که در کشورهای توسعه‌یافته اجرا می‌شود، در جهان سوم فعلیت یابد، نه تنها نتایج مثبتی در پی نخواهد داشت، بلکه آثار منفی آن نتایج جبران‌ناپذیری بر روند توسعه به جای خواهد گذاشت. به همین دلیل پیشنهاد شده است (سعیدی، ۱۳۸۹). ضرورتاً رویکرد و نگرش منطقه‌ای با برتری نگرش فضایی به منزله‌ی بدیلی گریزناپذیر، جایگزین رویکرد مجزانه‌ی سکونتگاه‌های روستایی، بر مبنای ساختار مکانی - فضایی خود، برآورنده مجموعه‌ی پیچیده‌ای از کارکردهای بنیادین و اجتماعی - اقتصادی هستند. دگرگونی مناسب این ساختار می‌تواند زمینه‌ی مناسب‌تر عملی شدن این کارکردها را فراهم کند که، برعکس، دخالت نابجا و ناسنجیده در ساختار کالبدی می‌تواند سبب اختلال در کارکردپذیری سکونتگاه‌ها شود. بر این مبنای، دخالت در ساختار کالبدی یا کارکردی نظام‌های مکانی - فضایی مستلزم اندیشه‌ورزی سنجیده‌ی علمی - اجرایی در چارچوب اهداف توسعه است. بدین سان، برای برآوردن نیازهای بنیادین جوامع انسانی، نه فقط به ساختارهای مناسب کالبدی، بلکه به ساختارهای اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی - سیاسی و حقوقی متناسب نیاز است. به سخن دیگر، در محیط‌های روستایی، هر کدام از کارکردهای مبتنی بر نیازها بر بستر ساختاری مناسب خود تحقق‌پذیر است. با نگاهی به کارکردهای اساسی جوامع انسانی می‌توان به ضرورت بسترسازی برای ساختارهای متناسب پی‌برد. مهم‌ترین کارکردهای منبعث از نیازهای بنیادین افراد و گروه‌های انسانی عبارتند از برقراری ارتباط با دیگران، مسکن‌گزینی، اشتغال و فعالیت، آموزش و یادگیری، استراحت و گذران اوقات فراغت، زندگی جمعی و تولید مثل و حرکت و آمدوشد (سعیدی، ۱۳۸۸). هر سکونتگاه را می‌توان اجتماعی کارکردی به شمار آورد که درجه‌ی بقا و پایداری آن به چگونگی شکل‌پذیری و نحوه‌ی پاسخگویی به این کارکردهای اساسی اجتماعی - اقتصادی در بستر مکان - فضا در گذر زمان بستگی تام دارد. بنابراین، نمی‌توان در این مجموعه، یعنی مجموعه‌ی هم‌بسته‌ی واحد سکونتگاهی، منفک و مجزا دخالت کرد. فقط با ساختار کالبدی، آن هم محدود به شبکه‌ی معابر یا مسکن، بدون عنایت به تحولات اجتماعی - اقتصادی پیش رو نمی‌توان تحول سکونتگاه‌ها را به نحو سازنده‌ای هدایت کرد (سعیدی، ۱۳۸۹).

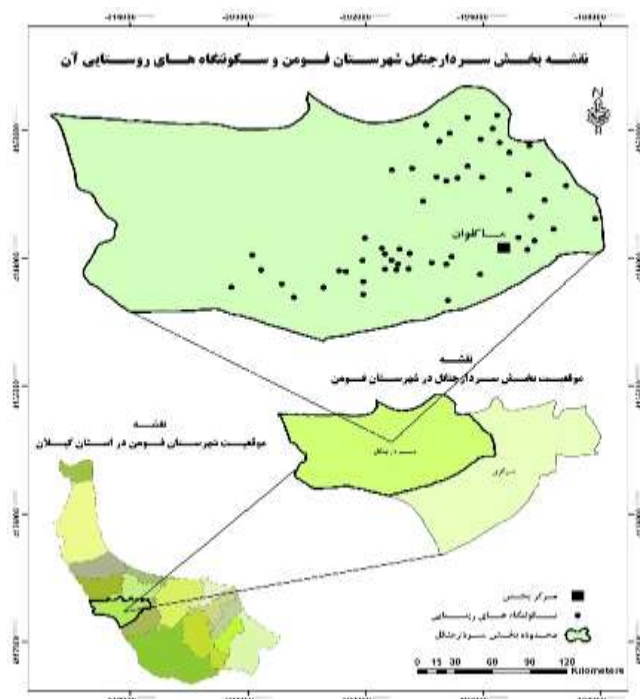
ضرورت توجه به بعد فضایی برنامه‌ریزی در این نکته‌ی مهم نهفته است که افزایش تولید (مواد غذایی)، بهره‌گیری منطقی از منابع محدود آب و خاک، انرژی و توان انسانی، تشویق و ایجاد اشتغال و، سرانجام، رفاه اجتماعی نه فقط ابعادی فضایی دارند، بلکه با توجه و تأکید بر تنوع ناحیه‌ای حاکم بر مناطق و نواحی سرزمین لازم است تا طرح‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در چارچوبی مکانی - فضایی و با توجه به سطوح گوناگون سکونتگاه‌ها در مقیاس ناحیه‌ای و به نحوی هماهنگ با سایر نواحی و مناطق تنظیم و اجرا شود (سعیدی، ۱۳۸۹). در ممالک کم‌تر رشد یافته‌ی جهان، تحولات سکونتگاه‌های روستایی به تبعیت از الگوهای شهری و بدون توجه به الزامات محیط طبیعی و اقتصاد روستایی صورت گرفته و، در نتیجه، بافتی ناسازگار با بستر طبیعی به روستاها تحمیل کرده است. نتیجه اینکه، فضای سکونتی از نظر سیما، شکل و منظر دچار آشفتگی شده و نمی‌تواند کارکرد مناسب خود را ارائه کند. دخالت‌های «شهر»‌سازانه در محیط‌های روستایی همراه با چشم‌داشت‌های منفعت‌طلبانه قدرت مقابله‌ی سکونتگاه‌ها را در برابر مخاطرات محیطی تضعیف می‌کند و در موارد بسیاری به اتلاف منابع ارزشمند طبیعی آن‌ها (تخریب جنگل و خاک زراعی، آلودگی آب و اتلاف منابع اقتصادی) و،

سرانجام، معضلات محیط‌زیستی و امنیت غذایی منجر می‌شود. از طرف دیگر، دست‌یابی به توسعه‌ی پایدار مستلزم حفاظت از ثروت طبیعی، مصرف کنترل شده منابع تجدیدناپذیر، حذف کنترل شده‌ی عوامل آلاینده، حفاظت از تنوع زیستی و سلامت ساکنان است. اهداف اندیشه‌ورزی درباره‌ی توسعه‌ی پایدار و برنامه‌ریزی به منظور پایداری عبارت از ترغیب توسعه‌ی فعالیت‌های انسانی در عین حفاظت از محیط، اثر بخشی عدالت‌جویانه‌ی اقتصادی و برابری اجتماعی است (محمودی، ۱۳۹۳: ۲۳). در کشور بزرگی، مثل ایالات متحده آمریکا، با وجود قوانین متعدد مالکیت خصوصی، تدابیر قانونی شدیدی برای حفظ اراضی کشاورزی و کنترل کیفیت آب اعمال می‌شود. در ژاپن، حفظ اراضی کشاورزی و جنگلی، به رغم محدودیت زمین و گسترش فضای شهری، همیشه تحت نظارت و مورد تأکید است و از کاربری‌های مزبور همیشه حفاظت شده است (ضیاء توانا و امیر انتخابی، ۱۳۸۶).

با توجه به اهمیت موضوع، هدف اصلی مقاله آن است که آثار ایجاد شهرها را بدون طی روند طبیعی از دید مخاطرات محیطی بررسی کند. برای دستیابی به هدف مزبور، قلمرو مکانی تحقیق را ناحیه ماکلوان تشکیل می‌دهد. این ناحیه برای مقاومت ساکنانش در برابر لشکر قزاق در نهضت جنگل، که منجر به شکست سنگین سپاه مهاجم و پیروزی جنگلی‌ها شد، شهرت تاریخی دارد (فخرایی، ۱۳۶۲: ۷۴) به همین جهت، ساختار اقتصادی و اجتماعی و تحولات فضایی ناحیه (بازن و دیگران، ۱۳۷۴) و مطالعه‌ی زبان و تقسیمات اداری، سیاسی ماکلوان را (رهنمایی، ۱۳۸۴) پژوهشگران گوناگون بررسی کرده‌اند. بررسی اکولوژی روستایی ماکلوان در سال ۱۳۸۳ نشان داده است که بر اثر تحولات اجتماعی - اقتصادی کارکرد ناحیه تغییر یافته و گروه‌های فرادست جامعه موقعیت‌های برتر را در اختیار گرفته‌اند (افراخته، ۱۳۸۳). روند تحول روستای ماکلوان در ۱۴ کیلومتری فومن در استان گیلان به تبعیت از موقعیت مرکزی صورت گرفته است که، در ادامه همین روند، در سال ۱۳۹۲، بنا به خواست صاحب‌منصبان مربوط به شهر تبدیل شد. در حال حاضر، حدود ۵۰۰ هکتار مساحت و ۲۵۰۰ نفر جمعیت و حدود ۱۴ آبادی را در حوزه‌ی نفوذ خود دارد. سؤال اساسی تحقیق آن است که تحول «ناحیه‌ی ماکلوان» بر اساس برنامه‌ریزی و بنا بر ملاحظات سیاسی به چه پیامدهای محیطی منجر شده است. نتیجه بررسی حاضر می‌تواند مورد استفاده متولیان برنامه‌ریزی توسعه‌ی ماکلوان قرار گیرد به گونه‌ای که توسعه‌ی این ناحیه متناسب با اوضاع محیط طبیعی و ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی هدایت شود و به نتایج مطلوبی منجر گردد.

داده‌ها و روش کار

ناحیه‌ی مطالعه تحقیق را شهر ماکلوان در شهرستان فومن استان گیلان تشکیل می‌دهد (شکل ۱). برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز ابتدا، از اطلاعات و نقشه‌های موجود در بنیاد مسکن گیلان (طرح بهسازی روستاهای نمونه ماکلوان پایین و بالا) و اطلاعات موجود در بخش‌داری و مرکز خدمات کشاورزی ماکلوان استفاده شده است. از عکس ماهواره‌ای لندست سال ۲۰۱۴ به صورت مأخذ شناخت تغییر کاربری‌ها در ترسیم نقشه استفاده شد. آنگاه اطلاعات مربوط به معاملات املاک ماکلوان، که بعد از طرح توسعه صورت گرفته و تا زمان مطالعه شامل ۱۵۸ معامله بود، به طور تمام شماری بررسی شد و اطلاعات مربوط به کاربری پیشین و کنونی آن‌ها همراه با مشخصات خریدار و فروشنده مشخص شد. همچنین، از تمامی فضاهای تجاری، اداری و خدماتی ماکلوان بازدید به عمل آمد و نوع فعالیت و کاربری پیشین و کنونی و حوزه نفوذ خدماتی آن‌ها ثبت گردید. سپس، با استفاده از روش کوکران از کل خانوارهای ساکن ماکلوان (۴۳۴ خانوار) تعداد ۱۵۷ خانوار برای نمونه در سه بخش منطقه‌ی ماکلوان بالا، ماکلوان پایین و کاسی‌سرا تعیین شد و با مراجعه‌ی مستقیم به خانوارها، که با تصادف انتخاب شده‌اند، پرسشنامه‌ی خانوار تکمیل گردید. داده‌های جمع‌آوری شده با بررسی توزیع فراوانی‌ها و رویکرد مکانی - فضایی تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری شد.



شکل ۱. نقشه‌ی ناحیه‌ی مالکولان.

شرح و تفسیر نتایج:

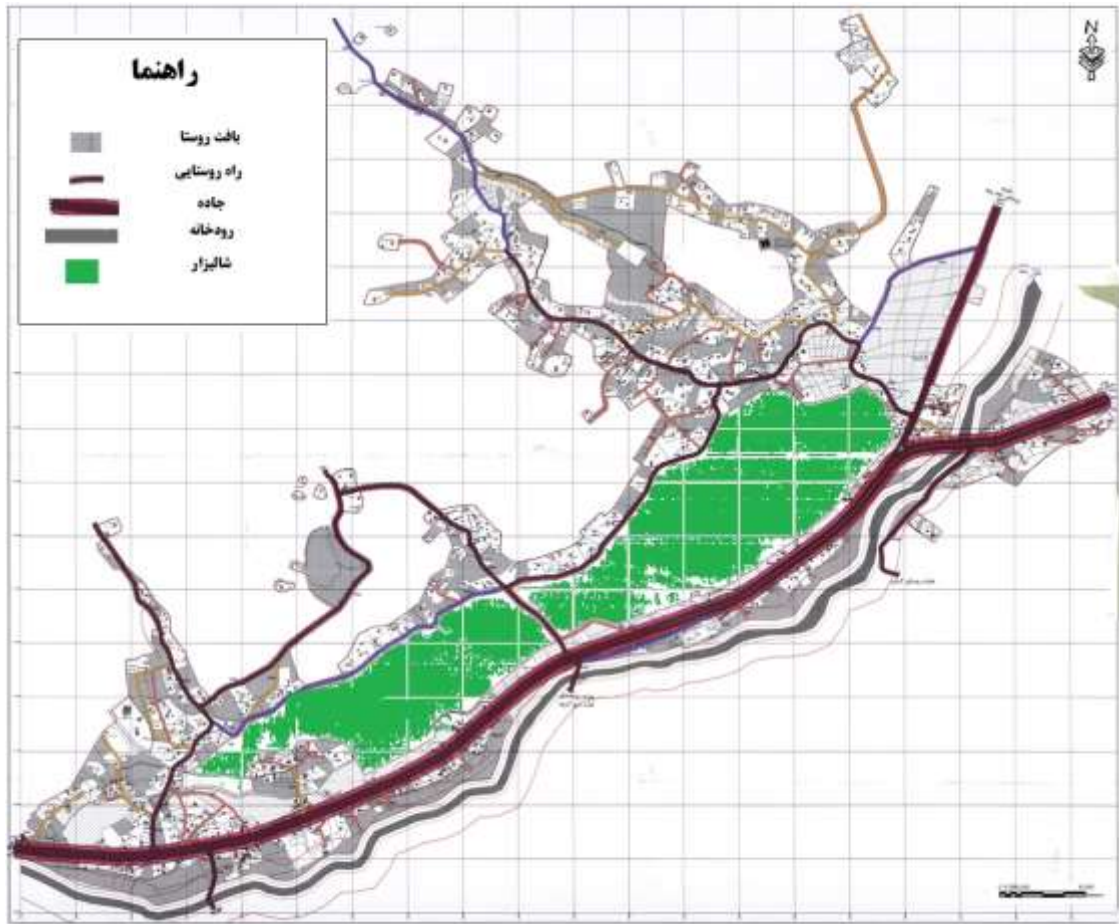
تحولات مالکولان، که به تبعیت از اجرای برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی و نیز اهداف سیاسی و ارتقای موقعیت سیاسی آن به شهر اتفاق افتاده است، در بخش‌های کالبدی - فضایی، محیط طبیعی - اکولوژیک و کارکرد اقتصادی - اجتماعی بررسی و تبیین می‌شود.

الف) ویژگی‌های کالبدی - فضایی

مالکولان به صورت خطی در امتداد جاده‌ی قدیمی فومن - ماسوله در سه نقطه‌ی روستایی تحت عنوان «مالکولان پایین»، «مالکولان بالا» و «کاسی‌سرا» به طول تقریبی چهار کیلومتر قرار دارد. نوسازی جاده سبب شده که دو بخش تجاری (مغازه‌های خدماتی و خرده‌فروشی) مالکولان پایین و مالکولان بالا با فاصله‌ای اندک (پنجاه-شصت متر) به ترتیب در بخش شمالی و جنوبی جاده جدید قرار گیرد. جانب جنوبی مالکولان به رودخانه‌ی دائم زیبای ماسوله رودخان (با اسم محلی موسله روخون) و محور شمالی آن به شالیزارهای زیبای پلکانی شکل با شیب بسیار ملایم محدود می‌شود. در سال‌های اخیر، مزارع مذکور را جهاد کشاورزی تسطیح کرده است. بعد از شالیزارها، تپه‌های مشجری مشاهده می‌شود که در پای آن مسکن روستایی به صورت پراکنده بین کوه و شالیزار قرار دارد. خاک زراعی مذکور بسیار حاصلخیز است، زیرا از آبرفت‌های ماسوله رودخان تشکیل شده و شاخه‌ی مصنوعی ماسوله رودخان، موسوم به «شیرک»، که از گذشته دور مسلط بر شالیزار برای آبرسانی احداث شده، همواره آبرفت‌های حاصلخیز رودخانه را در شالیزارها به جا می‌گذارد. از طرفی، منطقه در دامنه‌ی رو به آفتاب (خریم) قرار دارد. در نتیجه، سه عامل خاک مرغوب، آب کافی و نور آفتاب زمینه‌ی تولید برنج مرغوب و تجاری «صدری دم سیاه» را فراهم آورده و، به همین دلیل، در آنجا دو کارخانه‌ی برنج‌کوبی با تولیدات جانبی و نیروی کار محلی فعال است.

دامنه‌های شیب‌دار محل کشت توت برای پرورش کرم ابریشم است که بعد از کاشت برنج محل اشتغال و منبع درآمد معتنا به برای کشاورزان است. روستاهای مجاور مالکولان (چون گسکره، کوچی چال، آبرود، لات، کمادول) از نظر کمیت و کیفیت خاک زراعی در مضیقه است و برخی از آن‌ها در شالیزارهای مالکولان صاحب زمین کشاورزی بوده‌اند، اما به دلیل موقعیت کوهپایه‌ای و پشت به آفتاب بودن (مثلاً، نسا) علاوه بر فعالیت زراعت محدود برنج و دامداری، به پرورش نوغان و کشت چای نیز مشغول بوده‌اند. شکل ۲، نحوه‌ی کاربری اراضی مالکولان را نشان می‌دهد که کارگروه تخصصی مسکن و

شهرسازی استان گیلان آن را در سال ۱۳۸۸ برای طرح بهسازی روستاهای نمونه ماکلوان بالا و پایین به تصویب رسانده است. در این طرح، حداقل دو پهنه‌ی شالیزار بدون انقطاع در ضلع شمالی جاده‌ی فومن - ماسوله به مساحت ۱۲۷ هکتار دیده می‌شود و در شمال شالیزارها مسکن روستایی پراکنده قرار دارند که پیرامون آن‌ها را قطعات کوچک باغ صیفی و توت احاطه کرده است. دیگر فضاهای ناحیه، کاربری جنگل دارد. راه باریکی جاده‌ی اصلی را به معدن متروکه‌ی سنگ ساختمانی متصل می‌ساخت که در رژیم گذشته برای مدت کوتاهی بهره‌برداری شد.



شکل ۲: نقشه کاربری اراضی ماکلوان در سال ۱۳۸۸ برای طرح بهسازی روستاهای نمونه ماکلوان بالا و پایین.

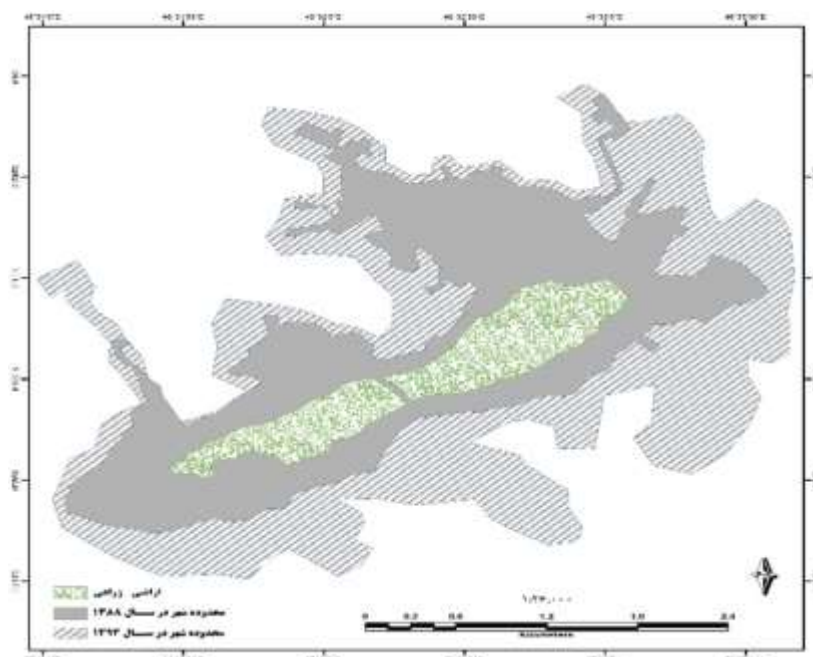
منبع: مسکن و شهرسازی استان گیلان.

بعد از اجرای برنامه‌های توسعه در ماکلوان به عنوان روستای مرکزی و تبدیل آن به شهر، منظر و کاربری زمین دچار تغییراتی شده است. ابتدا، به تبعیت از تفکر مرکزی بودن، دبیرستان، مرکز بهداشت، پست، دفتر مخابرات، اداره خدمات کشاورزی، تعاونی مصرف کشاورزی، پمپ بنزین و دهیاری در ماکلوان و در اراضی گران‌بهای کشاورزی احداث شد، در صورتی که روستاهای مجاور هم از نظر دسترسی و هم موقعیت مکانی برای به عهده گرفتن نقش‌های مکمل و ایجاد مراکز خدماتی مذکور بسیار مناسب بوده‌اند. آنگاه، در سال ۱۳۹۲، به تبعیت از خواست صاحب‌منصبان، ماکلوان شهر شد و در ورودی آن تابلوی «به شهر توریستی ماکلوان خوش آمدید» نصب گردید. در فاصله فقط چند ماه، مسکن به سبک شهری، میله‌های آهنی «باشگاه ورزشی» در داخل شالیزارها ظاهر شد و پنج بنگاه رسمی معاملات زمین، علاوه بر افرادی که غیررسمی در دلای زمین فعالیت داشتند، شکل گرفت. در همین فاصله، یعنی زمستان ۱۳۹۲، به بهانه‌ی ایجاد «بام سبز گردشگری» جاده‌ای به طول تقریبی چهار کیلومتر از محل کاسی‌سرا به سمت شمال با بلدوزر دل جنگل و دامنه‌های شیب‌دار آن را شکافت. در منتهی‌الیه جاده‌ی مذکور، ویلایی با سبک شهری قد علم کرد. این منطقه‌ی عشایری مشمول طرح «خروج دام از جنگل» قرار گرفته و ساکنان اولیه آن در نقاط دیگر مسکن خریداری کرده بودند.



شکل شماره ۳: تخریب شالیزارهای مرغوب به نفع جاده و ویلاسازی.

اراضی جنگلی منابع طبیعی دو طرف جاده (شکاف بی‌رحمانه دل جنگل) از هم اکنون در قطعات متعدد با سیم‌خاردار تفکیک و با قیمتی نازل از روستاییان خریداری شده است. علاوه بر بنگاه‌های معاملات زمین، اطلاعیه‌های اینترنتی «معاوضه زمین با ماشین شاسی بلند» را اطلاع‌رسانی می‌کند که در پوستر تبلیغاتی ماکلوان در فضای مجازی قابل مشاهده است. شکل شماره ۳، محدوده ماکلوان را در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۳ نشان می‌دهد. بر اساس این تغییرات، دو قطعه شالیزار با ارزش داخل محدوده به شدت تغییر یافته و تخریب شده است و مساحت آن از ۱٫۲۷ کیلومتر مربع در سال ۱۳۸۸ به ۰٫۸۱ کیلومتر مربع در سال ۱۳۹۳ کاهش یافته است، یعنی ۴۶ هکتار از شالیزارهای مرغوب از بین رفته است. اراضی کشاورزی و جنگلی ناحیه بر اثر ساخت و سازها، احداث راه‌های غیر ضروری و ساخت ویلا تخریب شده است. بر اساس محاسبات، بر اثر تحولات مذکور مساحت محدوده ماکلوان از ۶/۱۲ کیلومتر مربع در سال ۱۳۸۸ به ۱۲/۱۱ کیلومتر مربع در سال ۱۳۹۳ به زیان اراضی کشاورزی و جنگلی افزایش یافته است.



شکل ۴: محدوده ماکلوان در سال ۱۳۸۸ و ۱۳۹۳.

مأخذ: نقشه مسکن و شهرسازی استان گیلان و تصویر ماهواره‌ای ۲۰۰۴

ب) محیط طبیعی - اکولوژیک

مداخله در چشم‌انداز طبیعی زمین به بهانه‌ی شهرسازی، ایجاد فضای گردشگری و بام سبز سبب تغییر کاربری زمین از کاربری منابع طبیعی (جنگل) به کاربری مسکونی و نامولد شده است. شکاف جنگل به بهانه‌ی ایجاد جاده‌ی گردشگری با توجه به جنس و شیب زمین و بارش زیاد ناحیه هم اکنون موجب گسترش پدیده «رانش زمین» شده است. درختان ارزشمند بسیاری از نوع «ون» و «بلند مازو» از جا کنده شده است یا در محل اولیه‌ی خود موجود نیست. جاده را ده‌ها مجاری طبیعی آب دائم یا فصلی قطع می‌کند که در صورت آسفالت جاده به پل‌سازی و مهار ریزش زمین نیاز دارد و هزینه‌ی گزافی را می‌طلبد؛ در صورتی که از نظر تحلیل هزینه و سود اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی فاقد هرگونه توجیهی است. پیامد چنین اقدامی تخریب جنگل طبیعی، ریزش زمین و گسترش سیل بوده و خواهد بود. هم‌اکنون سیل حاصله از طغیان ماسوله رودخان با تخریب مساکن، پل‌ها و زمین‌های زراعی، خسارت مالی فراوانی به بار آورده است. آثار تخریب اراضی زراعی، مساکن و پل‌ها در محل پل ماکلوان به کنده سر و آبرود به وضوح هویداست. پل مذکور از جای اصلی خود کنده شده و برخی زیرساخت‌های آن از پل جدا شده است. گمان نمی‌رود پل مذکور در آینده از نظر تأمین هزینه لازم مرمت پذیر باشد، که این امر ممکن است نتایج ناگواری را در پی داشته باشد. سیل خسارت جانی نیز در پی داشته است. که نمونه‌ای از آن قربانی شدن افراد از جمله دختر دانش‌آموز در حادثه‌ی سیل سال ۱۳۹۱ بوده است. ایجاد فضاهای مسکونی، ویلایی متعلق به شهرنشینان و ساخت واحدهای تجاری، خدماتی موجب تخریب زمین حاصلخیز زراعی ماکلوان شده است که، در حقیقت، منبعی بارز و تجدیدنپذیر است.

ج) کارکرد اقتصادی - اجتماعی

تحول ماکلوان نظام اقتصادی و اجتماعی آن را تغییر داده است. زمین زراعی، به منزله‌ی منبع تولید، به تدریج از دست تولیدکنندگان روستایی خارج و به صورت کالایی به نظام واسطه‌گری سپرده می‌شود. هم‌اکنون، بیش از ۱۶/۵ هکتار زمین اراضی کشاورزی و منابع طبیعی از روستاییان خریداری شده است که ۲۰/۹ درصد آن از اراضی کشاورزی و ۵۱/۹ درصد آن از اراضی بایر و منابع طبیعی است. این مقدار علاوه بر زمین‌های خریداری شده از روستاییان به قیمت ناچیز پیرامون جاده احداث شده است. ۲۰/۲ درصد زمین‌های مورد معامله نیز متعلق به کاربری‌های مسکونی بوده است (جدول ۱).

جدول ۱: کاربری زمین‌های مورد معامله قبل از فروش

نوع کاربری	زراعی	بایر و منابع طبیعی	مسکونی	سایر	جمع
فراوانی (هکتار)	۳۳	۸۲	۳۲	۱۱	۱۵۸
درصد	۲۰.۹	۵۱.۹	۲۰.۲	۷	۱۰۰

جدول ۲ نوع اشتغال فروشندگان زمین را نشان می‌دهد. ۵۹/۹ درصد آنان دارای شغل آزاد معرفی شده‌اند. اینان همان کسانی بوده‌اند که در دلالتی زمین و معاملات گوناگون غیررسمی نقش دارند. در واقع، اراضی مورد معامله آن‌ها برای، حداقل، دومین بار است که انتقال مالکیت پیدا کرده و در بار اول از دسترس روستاییان کشاورز یا دامدار خارج شده است. کشاورزان ۲۶/۶ درصد فروشندگان زمین بوده‌اند که، در واقع، آسیب‌پذیرترین گروه در تحولات جاری هستند.

جدول ۲: شغل فروشندگان زمین

شغل	آزاد	کشاورز	دامدار	کاسب	سایر	جمع
فراوانی	۹۴	۴۲	۸	۲	۱۲	۱۵۸
درصد	۵۹.۵	۲۶.۶	۵.۱	۱.۳	۷.۵	۱۰۰

جدول ۳ شغل خریداران زمین را نشان می‌دهد. بیشتر خریداران زمین (۹۳/۷) دارای مشاغل آزاد و، در مواردی دیگر، معامله‌گران دارو و لاستیک خیابان‌های ناصرخسرو و امیرکبیر تهران و برخی افراد صاحب‌منصب ناحیه بوده‌اند. نتیجه اینکه، زمین از دست مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان خارج و در اختیار دلان و یا سازندگان خانه‌های دوم قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، زمین از کاربری کشاورزی، تولیدی و جنگلی خارج و به کاربری مسکونی، خدماتی تبدیل می‌شود.

جدول ۳: شغل خریداران زمین

شغل	آزاد	کشاورز	دامدار	کاسب	سایر	جمع
فراوانی	۱۱۳	۶	۲	۲	۳۵	۱۵۸
درصد	۷۱.۵	۳.۸	۱.۳	۱.۳	۲۲.۲	۱۰۰

تبدیل اراضی کشاورزی به سود فضایی خدماتی و مسکونی و حذف تولید، از یک طرف، جامعه را با ناامنی غذایی مواجه می‌کند. امنیت غذایی جمعیت ۷۰-۸۰ میلیونی کشور نیازمند برنامه‌ای منسجم و تعیین تکلیف روستاییان از نظر شغلی است. روند فعلی حذف و تخریب زمین کشاورزی گران‌قیمت به نفع کاربری مسکونی و تجاری نالازم و نامولد با این خواست جامعه هماهنگی ندارد و به گسترش بیکاری و کم‌کاری (که هم‌اکنون اغلب جمعیت جامعه را در بر گرفته)، فقر و ایجاد شکاف طبقاتی دامن می‌زند. روستاییانی که با فروش زمین از چاه در می‌آیند و به چاله فقر و بی‌زمینی وارد می‌شوند، در آینده به هیچ وجه قادر به خرید مجدد زمین خود نخواهند بود. در مقابل، سوداگران از محل رانت زمین به سود بسیار دست می‌یابند و به شکاف طبقاتی جامعه دامن می‌زنند. این امر بر خلاف سیاست تنوع بخشی اقتصاد محلی برای کاهش آسیب پذیری آن است (Ellis, ۱۹۹۹).

از نظر کارکردی ماکلوان به فضایی نه شهری و نه روستایی تبدیل شده است. نظام معیشتی شاهد هم‌زیستی صاحبان مشاغل کشاورزی، دامداری، خدماتی و تجاری است. با این ویژگی که مشاغل کشاورزی و دامداری رو به میرندگی و مشاغل خدماتی و تجاری نامولد رو به بالندگی است. ساختمان‌های مدرن و چند طبقه در کنار کلبه‌هایی خود نمایی می‌کند که ۶۰ درصد مساکن فاقد کوچه‌های مناسب دسترسی است. ۶۱/۲ درصد فاضلاب‌های خانگی در آبراهه‌های سرباز و کوچه‌ها رهاست. این چشم‌انداز، در بهترین حالت روستایی سرسبز و مولد به فضایی تبدیل شده که نه کارکرد اصیل روستایی دارد و نه دارای ویژگی‌های شهری است (جدول ۴).

جدول ۴: جامعه نمونه بر حسب شغل

نوع شغل	کشاورزی	دامداری	اداری و کارمند	کاسب	بیکار	شغل آزاد	جمع
فراوانی	۴۴	۱۲	۲۶	۳	۲۴	۶۶	۱۷۵
درصد	۲۵.۱	۶.۹	۱۴.۶	۱.۷	۱۳.۷	۳۷.۷	۱۰۰

بر اساس جدول ۴، بیشترین تعداد خانوارها دارای شغل آزاد هستند که ۳۷/۷ درصد آن‌ها را تشکیل داده است و بسیاری از آن‌ها در مشاغل غیررسمی فعالیت دارند. کشاورزی در مجموع ۳۲ درصد خانوارهای نمونه را تشکیل می‌دهد. ۱۳/۷ درصد جمعیت نیز بیکار هستند.

در جدول ۵ میزان درآمد ماهیانه خانوارهای نمونه آمده است. بر اساس جدول، جمعیت با درآمد بیش از یک میلیون تومان در ماه، تنها ۱/۸ درصد جامعه را تشکیل می‌دهد. ۳۷/۷ درصد خانوارها، درآمد ماهیانه‌ی بین ۵۰۰ الی ۶۰۰ هزار تومان درآمد دارند. ۸۰/۴ درصد جمعیت درآمد ماهیانه‌ی معادل کمتر از ۶۰۰ هزار تومان در ماه دارند که می‌تواند حاکی از وجود کشاورزان کم‌زمین، کارگران روزمزد و کسبه خرد در جامعه باشد. گروه اخیر همراه با جمعیت بیکاران جمعیتی را تشکیل می‌دهند که در جستجوی معاش اولیه خود هستند.

جدول ۵: جامعه نمونه بر حسب درآمد به هزار تومان در ماه

درآمد	۱۰۰ الی ۲۰۰	۲۵۰ - ۴۰۰	۵۰۰ - ۶۰۰	۷۰۰ - ۸۰۰	۸۰۰ - ۱۰۰۰	۱۰۰۰ - ۱۶۰۰	جمع
فراوانی	۲۲	۵۳	۶۶	۱۸	۱۳	۳	۱۷۵
درصد	۱۲.۴	۳۰.۳	۳۷.۷	۱۰.۳	۷.۵	۱.۸	۱۰۰

از جمعیتی که درگیر تأمین هدف اولیه معیشت خود باشد، نمی‌توان انتظار داشت که خواهان اهداف بلندمدت و متعالی جامعه باشند (Maslow, ۱۹۵۳:۳۷۰-۳۹۶). از نظر علمی، بسیاری از ناملایمات اجتماعی ریشه در محیط زندگی افراد دارد. اجاره بدون نظارت و ضابطه‌ی خانه‌های مسکونی روستاییان به گردشگران - که بسیار رایج شده است - امر مطلوبی نیست. تجارب نشان داده است که ایجاد شکاف طبقاتی همراه با افزایش توقعات جوانان متناسب و هم‌خوان با زندگی متعادل، آرام‌بخش و کم‌دردسر نیست (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۸۳).

حذف معماری همساز با ویژگی‌های محیطی از دیگر پیامدهای شهری شدن ماکلوان است. جدول شماره‌ی ۶ مسکن جامعه‌ی نمونه را برحسب تیپ مسکن نشان می‌دهد.

جدول ۶: مسکن جامعه نمونه برحسب تیپ مسکن

تیپ مسکن	سنتی دو طبقه	سنتی یک طبقه	جدید یک طبقه	جدید دو طبقه	جمع
فراوانی	۲۵	۱۱	۱۱۳	۲۵	۱۷۵
درصد	۱۴.۳	۶.۸	۶۴.۶	۱۴.۳	۱۰۰

براساس جدول ۶، ساختمان‌های جدید بیشترین ساختمان‌ها را با فراوانی ۷۸/۹ درصد تشکیل می‌دهد. بسیاری از این نوع مسکن با استفاده از وام مقاوم‌سازی روستایی بنیاد مسکن بنا شده‌اند. خانه‌های جدید دو طبقه با فراوانی ۱۴/۳ درصد را گاهی مهاجران جدید شهری ساخته و گاه متعلق به روستاییانی است که با استفاده از وام مسکن روستایی با شیوه‌هایی توانسته‌اند وام دو خانواری دریافت و اقدام به ساخت مسکن دو طبقه کنند. تعداد مسکن مربوط به ساختمان‌های با معماری سنتی بسیار محدود شده است. این نوع مسکن که با ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و نیاز تولیدی خانوارها تناسب بیشتری داشته است، به دلیل اینکه نقایص و کمبودهای آن در طول ایام مورد بازنگری قرار نگرفت و اصلاحات تدریجی در آن‌ها به وجود نیامد، به یکبار در حال محو شدن است و جای آن‌ها را معماری‌ای گرفته است که با مقتضیات اقتصاد روستایی و محیط طبیعی سازگاری لازم را ندارد و، در نتیجه، برای تأمین نور، گرمای زمستان و سرمای تابستان باید به صرف انرژی‌های مصنوعی زیادی متکی باشند.



شکل ۵: معماری خانه سنتی در حال نابودی ماکلوان

در جدول ۷، نوع مصالح ساختمانی خانوارهای نمونه بررسی شده است. براساس جدول شماره ۷، ۱۸/۹ درصد خانوارها از مصالح سنتی چوب و گل استفاده کرده‌اند. در ساخت ۸۱/۱ درصد مساکن، از مصالح سنگ و آجر استفاده شده است. این امر بیانگر آن است که مصالح سنتی با سرعت زیادی در معماری بناها از بین می‌رود. مصالح سنتی گرچه با ضعف‌هایی روبرو بود، از یک طرف، هماهنگی آن مصالح با ویژگی‌های اقلیمی بیشتر بود، داخل خانه‌های ساخته شده از چوب و گل در تابستان‌ها خنک‌تر و در زمستان‌ها گرم‌تر بوده است. خانه‌های سنتی دارای فضاهایی است که در فصول متفاوت و ساعات مختلف شبانه‌روز برای استفاده از نور و انرژی طبیعی استفاده می‌شود. سقف گالی پوش مساکن چوبی عایق دمایی هوا بود، در حالی که مصالح سنگی و آجری دمایی هوا را به آسانی انتقال می‌دهد. سقف مفروش از ورقه‌های گالوانیزه به شدت هادی دماست. بر اساس اندازه‌گیری نگارنده، زیر سقف با پوشش گالی در تابستان پنج درجه خنک‌تر و در زمستان چهار درجه گرم‌تر از زیر سقف با پوشش ورقه‌های گالوانیزه بوده است. همچنین، سر و صدای سقف مفروش از ورقه‌های گالوانیزه به هنگام بارش و وزش باد، آزار دهنده است.

جدول ۷: نوع مصالح ساختمانی خانوارهای نمونه

مصالح ساختمانی	چوب و گل	سنگ و آجر	جمع
فراوانی	۳۳	۱۴۲	۱۷۵
درصد	۱۸.۹	۸۱.۱	۱۰۰

یکی دیگر از پیامدهای شهری شدن ماکلوان تشدید آلودگی منابع آبی است. جدول شماره ۸، نحوه دفع زباله‌ی خانگی را نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات جدول، شهرداری زباله‌ی ۸۰ درصد مساکن را جابه‌جا می‌کند که پدیده‌ای جدید، مثبت و به تبعیت از ارتقای موقعیت ماکلوان شهر است. شهرداری ماکلوان قبلاً زباله‌های جمع‌آوری شده را در اطراف زمین فوتبال روستای مجاور (گسگره) پخش می‌کرد که آلودگی زیست محیطی ایجاد می‌کرد. اما، در حال حاضر، زباله‌های شهر را روزانه یا یک روز در میان چند کارگر جمع‌آوری می‌کنند و با ماشین خاوری به جایگاه زباله‌ی سراوان (حومه رشت) انتقال داده می‌شود.

جدول ۸: نحوه دفع زباله خانگی

نوع دفع زباله	دفن در محل	سوزاندن زباله	شهرداری جمع می‌کند	جمع
فراوانی	۲	۳۳	۱۴۰	۱۷۵
درصد	۱.۱	۱۸.۹	۸۰	۱۰۰

جدول ۹ نحوه دفع فاضلاب خانگی را نشان می‌دهد. براساس جدول، ۴۰ درصد خانوارها دارای چاه جذبی هستند. ۶۰ درصد خانوارها فاضلاب خود را در جوی‌های سرباز رها می‌کنند. امری که اگر برایش تدبیری اندیشیده نشود، ممکن است معضل بهداشتی و اجتماعی در پی داشته باشد. هیچ نوع اندیشه‌ای برای دفع فاضلاب شهری و خانگی وجود ندارد و لاجرم آب ماسوله رودخان باید متحمل فاضلاب باشد که خود زمانی منبع تأمین غذا (صیدماهی) و تفریح مردم (ماهیگیری و شنا) بوده است. اما امروز نه تنها هیچ‌گونه آبی در آن دیده نمی‌شود، بلکه به دلیل آلودگی امکان آب تنی نیز در آن وجود ندارد.

جدول ۹: نحوه دفع فاضلاب خانگی

نوع فاضلاب	چاه جذبی	آگو	رها در جوی‌های سرباز	جمع
فراوانی	۷۰	۰	۱۰۵	۱۷۵
درصد	۴۰	۰	۶۰	۱۰۰

با این توصیف گسترش ماکلوان با هدف اولیه‌ی آن که توسعه‌ی کارکرد گردشگری بوده در تناقض قرار گرفته است. از جمله اهداف اولیه‌ی ارتقای موقعیت سیاسی ماکلوان گسترش فعالیت گردشگری بوده است. یکی از بنیان‌های گردشگری تولیدات سنتی کشاورزی و مشتقات آن‌هاست. با حذف تولید روستایی و گسترش شغل «زمین‌فروشی» و «اجاره بدون ضابطه‌ی خانه و ویلا» توسعه‌ی متوازن گردشگری حاصل نخواهد شد. در اغلب نقاط دنیا یکی از بنیان‌های گردشگری روستایی را معماری بومی تشکیل می‌دهد. در آلمان و فرانسه یکی از اماکن جاذب گردشگران «خانه‌های سنتی چوبی» است. این نوع مسکن در ماکلوان رو به نابودی است، در حالی که استفاده از دانش محلی در توانمندسازی جامعه و طی موفقیت‌آمیز روند توسعه از الزامات است (Gorjestani, ۲۰۰۲). اگر محیط زیست تخریب، میراث فرهنگی دگرگون، منابع آب آلوده، تولیدات سنتی و بومی تعطیل شود و امنیت اجتماعی در معرض تهدید باشد، چه جاذبه‌هایی می‌تواند موجب دیدار گردشگران باشد که افزایش آن یکی از بهانه‌های تحولات ماکلوان بوده است.

اگرچه رویکرد قطب رشد تا دهه‌ی ۱۹۷۰ مینای برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری صنعتی در مراکز رشد بوده است، در ممالکی که امکان رشد سرمایه‌داری مولد و صنعتی فراهم نیامده (اشرف، ۱۳۵۳)، سیاست تجاری کردن تولیدات سنتی اجرا نشده است؛ تولیدات سنتی به نفع واردات کالا از کشورهای کانونی از گردونه تولید خارج شده و مرکزیت فقط بر اساس فعالیت اداری و تجاری نامولد شکل می‌گیرد. از این رو، در ایران هر جا که به تاسی از نظریه‌ی قطب رشد اقدام به طراحی مراکز روستایی شده، حاصل آن، به جای توسعه‌ی متوازن، گسترش مراکز روستایی به تبعیت و الگوبرداری شهرها بوده است که خود دچار معضل و نابسامانی عدیده است. ایجاد خیابان‌هایی با عرض ۱۵-۱۶ متر و حتی بولوارگونه و کوچه‌هایی به عرض ۸-۱۰ متر در محیط‌های روستایی به بهانه‌ی ورود ماشین، لاجرم منجر به گسترش بوتیک، سوپرمارکت، کرایه‌ی نوار ویدئو و فروشگاه انواع لوح فشرده در روستا می‌شود. در این صورت، روستاییان، به ویژه جوانان، می‌کوشند از شهرها و شهرنشینانی الگوبرداری کنند که خود در ساماندهی فضای زیست خود وامانده‌اند (سعیدی، ۱۳۸۹).

نتیجه‌گیری

گرچه ممکن است رویکرد از قبل تدوین شده‌ای در توسعه‌ی ماکلوان دخیل نبوده باشد، شواهد و مدارک حاکی از آن است که روند توسعه‌ی ماکلوان بدون طی روند تدریجی ارگانیک و با تاسی از قطب رشد صورت گرفته است. تفویض نقش مرکزیت خدماتی (خدمات بهداشتی، آموزشی، خدمات کشاورزی، پستی، بانکی، اداری تجاری و بازار هفتگی روزهای شنبه)، ایجاد خیابان بولوارمانند و تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها (هرچند محدود) با هدف توسعه‌ی حوزه‌ی نفوذ و تمرکز جمعیت، از جمله این شواهد است. دستاورد توسعه‌ی جاری ماکلوان ایجاد شرایطی است که وقوع و بروز مخاطرات محیطی را تقویت کرده است. از جمله:

- تخریب و اتلاف خاک زراعی که، از یک سو، با توجه به غنای خاک زراعی مورد بحث و، از سوی دیگر، توجه به کمبود اراضی کشت‌پذیر در منطقه با تبدیل و حذف کاربری زراعی می‌تواند منشأ ناامنی غذایی، بیکاری و گسترش مشاغل غیررسمی در منطقه و حاشیه‌ی شهرها شده است؛
- تخریب جنگل و گسترش خطر سیل، با توجه به موقعیت اقلیمی، توپوگرافی و نوع خاک به محتمل بودن وقوع سیل و ریزش زمین کمک کرده است؛
- همچنان‌که تجربه‌ی ماسوله و سابقه‌ی امر نشان داده است، تمرکز جمعیت در مکانی با موقعیت ماکلوان تشدید آلاینده‌ی منابع آب، به‌خصوص ماسوله رودخان، را در پی داشته است و خواهد داشت؛
- تضعیف بنیان‌های تولید سنتی و فرآورده‌های جانبی آن، حذف تولیدات هنری، حذف معماری بومی همساز با اقلیم، علاوه بر مشکلات محیطی به تضعیف بنیان‌های گردشگری مولد انجامیده، امری که ظاهراً یکی از اهداف توسعه‌ی ماکلوان بوده است؛
- با آشفتگی کالبدی روند کنونی و بی‌ضابطه‌ی ساخت و ساز، آشفتگی کالبدی ماکلوان گریزناپذیر است و اگر چاره‌ای اندیشیده نشود، به گسترش کج‌روی‌های اجتماعی دامن زده و خواهد زد.

در بیان علل پدیده‌ی مذکور باید گفت که رویکرد قطب رشد راهکار مطلوب توسعه‌ی سکونتگاهی در کشور و، دست‌کم، در منطقه‌ی مطالعه‌ی تحقیق نیست، زیرا کنترل و مدیریت کاربری زمین باید هماهنگ با واقعیات موجود محلی باشد. فرآیند کلی برنامه‌ریزی کاربری زمین باید پاسخگوی سه پرسش اساسی: «کجاستیم، به کجا می‌رویم و چگونه می‌رسیم» باشد (بنیاد مسکن، ۱۳۸۶: ۵۲). تصمیم‌گیری منطقی، راهبردهای انعطاف‌پذیر شرایط گوناگون و مبتکرانه، تأکید بر بقای منابع و سازگاری با طبیعت می‌تواند جلودار عواقب نامطلوب دخالت در طبیعت باشد (پاپ زن و دیگران، ۱۳۸۳). بی‌مورد نیست که مراکز علمی کشورهای توسعه‌یافته درباره‌ی برخی تجارب بومی کشورهای کم‌رشد به تتبع و تحقیق می‌پردازند (Donald Routledge, ۱۹۹۶). از این رو، شیوه‌ی سزاینی ایجاد شهر بدون طی روند تدریجی و استفاده از دانش محلی و خرد جمعی نمی‌تواند به تأسیس شهرهای پایدار بینجامد، بلکه حاصل آن زبان جبران‌ناپذیر به مردم و منابع طبیعی خواهد بود.

قدردانی: از زحمات آقای «بهمن محبی» دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری به دلیل جمع‌آوری برخی اطلاعات محلی و تکمیل پرسشنامه‌ها تشکر و قدرانی می‌شود.

منابع:

- ابراهیم زاده، عیسی؛ فرامرز بریمانی و یوسف نصیری. ۱۳۸۳. حاشیه نشینی، ناهنجاری‌های شهری و راهکارهای تعدیل آن. مورد شناسی: کریم آباد زاهدان. *جغرافیا و توسعه*، ۳: ۱۲۱-۱۴۶.
- اشرف، احمد. ۱۳۵۳. ویژگی‌های تاریخی شهر نشینی در ایران. *نامه علوم اجتماعی*، ۴: ۷-۵۰.
- افراخته، حسن. ۱۳۸۳. اکولوژی روستایی در تالش جنوبی. *تحقیقات تالش*، ۱۱: ۴-۱۷.
- بازن، مارسل؛ بیژن رحمانی و حسن افراخته. ۱۳۷۴. تغییرات جدید اقتصادی و سازماندهی فضا در تالش، ترجمه‌ی سید علی پورفیکویی. *فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی*، ۳۸: ۶۵-۷۹.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. ۱۳۸۶. *راهنمای کاربری زمین روستایی*. نشر شریف، تهران.
- پاپ زن، عبدالمجید؛ سید محمود حسینی؛ ازکیا، مصطفی و محمد حسین عمادی. ۱۳۸۳. راهبرد برتر برای توسعه‌ی روستایی: علمی کردن دانش بومی و بومی کردن دانش علمی. *مجموعه مقالات کنگره‌ی توسعه‌ی روستایی، چالش‌ها و چشم‌اندازها*. تهران، مؤسسه‌ی توسعه‌ی روستایی ایران.
- رهنمایی، محمد تقی. ۱۳۸۴. تالش و تالشان. *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ۹۳ و ۹۲: ۶۷-۷۵.
- زیاری، کرامت‌الله؛ کبری سرخ کمال؛ سید محمود زنجیرچی و محمد کرمی. ۱۳۹۰. نگرشی تحلیلی بر نظریه قطب رشد در توسعه منطقه‌ای، مطالعه موردی: استان خراسان رضوی. *فصلنامه‌ی آمایش محیط*، ۱۷: ۱-۲۴.
- سرای، محمد حسین و محمد اسکندری ثانی. ۱۳۸۶. تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک و نقش آن در تعادل بخشی ناحیه‌ای. *جغرافیا و توسعه*، ۱۰: ۱۶۵-۱۸۲.
- سعیدی، عباس. ۱۳۸۹. ارزیابی مکانی- فضایی رویکردهای توسعه و تحول سکونتگاه‌های روستایی. *مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی، بنیاد مسکن، تهران*: ۳۳۵-۳۵۱.
- سعیدی، عباس. ۱۳۷۵. جایگاه روستاهای کوچک در برنامه‌ریزی توسعه‌ی سرزمین. *فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی*، ۴۳: ۶۷-۷۶.
- کریمی، بهرام؛ سید علی بدری؛ محمد سلمانی و مجتبی قدیری معصوم. ۱۳۹۱. ارزیابی تأثیر ارتقای روستاها به شهر در توسعه‌ی مناطق کوهستانی از دیدگاه مردم محلی. *مطالعه موردی: بخش دیلمان شهرستان سیاهکل. پژوهش‌های روستایی*، ۱۱: ۷-۳۲.

- ضیاء توانا، محمد حسن و شهرام امیر انتخابی. ۱۳۸۶. روند تبدیل روستا به شهر و پیامدهای آن در شهرستان تالش. *جغرافیا و توسعه*، ۱۰: ۱۰۷-۱۲۸.
- فخرایی، ابراهیم. ۱۳۶۲. *سردار جنگل*. انتشارات جاویدان، چاپ دهم، تهران.
- قنبری، ابوالفضل و میر نجف موسوی. ۱۳۹۰. قطب‌های رشد به مثابه رویکردی در عدم تعادل‌های ناحیه‌ای ایران. *فصلنامه‌ی فضای جغرافیایی*، ۳۴: ۵۰-۷۲.
- محمودی، سیده کیناز. ۱۳۹۳. *الحاق سکونتگاه‌های روستایی در فرآیند خزش کلانشهری با تأکید بر تعارض بافت کالبدی-فضایی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.
- مهندسان مشاور DHV. ۱۳۷۱. *رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی*. ترجمه‌ی سید جواد میر، ناصر اوکتایی و مهدی گنجیان. وزارت جهاد سازندگی، تهران.
- هاروی، دیوید. ۱۳۹۱. حق به شهر، ریشه‌های شهری بحران‌های مالی. ترجمه‌ی خسرو کلانتری. انتشارات مهریستا، تهران.

Donald Routledge H. ۱۹۹۶. *A History of Engineering in Classical and Medieval Times*. Barnes & Noble, Routledge.

Douglass, M. ۲۰۰۶. A regional network strategy for reciprocal rural-urban linkage: An agenda for policy research with reference to Indonesia. Cecila, Tacoli, Rural -Urban Linkage: ۱۲۴-۱۵۴.

Ellis, F. ۱۹۹۹. Rural livelihood diversification in developing countries: evidence and policy implications. *Natural Resource perspective*, ۴۰: ۱-۱۰.

Gorjestani, N. ۲۰۰۲. *Indigenous knowledge for development, Opportunities and challenges*. Indigenous Knowledge for development program, World Bank.

Hirschman, A. O. ۱۹۵۸. *The Strategy of Economic Development*. Yale University Press.

Maslow, A.H. ۱۹۴۳. *A Theory of Human Motivation*. *Psychological Review*, ۵۰: ۳۷۰-۳۹۶.